

# رفتار با کودک



همه عقیده داریم که تربیت فرزندان مهم‌ترین برنامه‌های ما را تشکیل می‌دهد، کودکان ما آینده‌سازان کشور و پشتیبانان قدرتمند دوران پیری و سالخوردگی ما هستند فرزندان ما نور چشم امروز و فردای ما و شفیع و یاریگر ما در دنیا و آخرت هستند، کودکان ما اگر درست تربیت شوند، آینده‌زندگی ما و آنان، قرین سعادت‌مندی و خوشبختی خواهند بود و اگر شما مادر خوبی باشید، و بخواهید، به یاری خدای توانمند فرزند خوب و صالحی تربیت کنید.

خوب است به این سؤالات بیندیشید: آیا شما مادر خوبی برای فرزند خود هستید؟  
آیا دقیقاً "به مسئولیت عظیمی که برعهده شماست، توجه دارید؟

در پاسخ می‌گویید: هر کاری از دستم برمی‌آید برای کودکم انجام می‌دهم از غذا و لباس و بخری مراقبت می‌کنم و راحت و آسایش خود را فدای بهداشت و سلامتی او می‌نمایم، گاهی شبها در کنار بستر او بیدار می‌مانم و پرستاری می‌کنم تا او سلامت خود را باز یابد... آیا انجام این کارها برای این که مادر خوبی برای فرزندم باشم کافی است؟



صمیمی؟

آیا می‌پسندید در آینده فرزند شما فردی خود خور ، خود کم بین‌حقیر ، غمگین ترسو و ذلت پذیر باشد؟ می‌گویید: نه نه ... هرگز چنین فرزندی را نمی‌خواهم ، خدانصیب نکند من فرزندم را در جوانی شجاع و دلیر و سرافراز می‌خواهم . آیا می‌پسندید فرزند شما در سنین بیست تا بیست و پنج سالگی سرگردان و بی‌هدف و بی‌فکرو ولگرد و بیکار و هرزه باشد؟ می‌گویید: نه نه ... هرگز چنین فرزندمی نمی‌خواهم ، من امروز زحمت می‌کشم ، آسایش و راحت را بر خود حرام می‌کنم تا فردا جوانی برومند و لایق و هدفدار و فعال و آگاه و مفید و محترم داشته باشم ، من فرزندی می‌خواهم که بنده شایسته خدا باشد و برای اجتماع خود مفید و فعال و خلاق و توانا باشد .

راستی می‌گویید، شاهم مانند همه مادران پر محبت و فداکار، آینده ای درخشان و بیروز را برای فرزند خود آرزو می‌کنید، دوست دارید جوان فردای شما فردی سرافراز و فعال و آگاه و توانا باشد، اما باید پرسید: با این کسه آرزوی همه مادران اینست پس چرا همه فرزندان همه جوانان به این صفات بلند و منتهی‌المرحمه دست پیدانمی‌کنند؟ آیا تنها آرزو کافی است؟ آیا فقط آرزوی پاک مادر یک آینده بیروز و پرامید را برای کودک تا همین می‌کند؟ آری آرزوی پاک شما مادرگرامی، اگر با آگاهی و عمل همراه شود، به یاری لطف و مرحمت خدا آینده درخشانی را برای فرزند شما تضمین خواهد کرد. در صورت آگاهی از روشهای تربیتی صحیح و صالحانه و عمل به آنها، آرزوی پاک شما برآورده خواهد بود.

اینها که گفتید، این کارها و مراقبت‌ها خوب و لازم است، باید هر مادری مراقب غذای فرزندش باشد و غذای سالم و کافی در اختیار او قرار دهد باید مراقب بهداشت و سلامتی او باشد. اما وظیفه مادری به همین جا پایان نمی‌یابد بلکه علاوه بر اینها که گفتید، لازم است نیازهای روحی و عاطفی او را هم بدانید و بشناسید و غذای روحی و روانی مناسب هم برایش تهیه کنید و در اختیارش قرار دهید همانطور که به رشد و بهداشت جسم و اعضای بدن او توجه دارید و مراقبت می‌کنید که بیمار نشود و اگر بیمار شد در کنار بستر او بیدار می‌مانید و پرستاری می‌کنید باید به بهداشت روح و سلامت و رشد عاطفی و روانی او هم توجه داشته باشید و از اینها هم مراقبت کنید.

در چنین صورتی مادر خوبی برای فرزند خود خواهید بود و به مسئولیت عظیم مادر بودن توجه و عمل کرده‌اید.

البته بقینا " شما مادر مهربان و خوب و فداکار که فرزند خود را برای آینده‌ای پرامید و روشن و بیروز می‌پرورید به این مسائل توجه دارید. مقصود این گفتگو تذکر و یادآوری و تاکید است. چگونه فرزندی می‌خواهید پرورید؟ یعنی می‌خواهید فرزند شما مثلاً " در سنین بیست تا سی سالگی چگونه باشد و کدامیک از این صفات و منتهی‌المرحمه را داشته باشد؟

دوست دارید در آن سنین نسبت به شما بی‌توجه و بی‌مهر و بی‌تفاوت باشد، یا این که پر مهر و عطوفت و مددکار؟ دوست دارید در بزرگسالی با اقوام و خویشان و بسکان سردو بی-مهر و بی‌گذشت و دور زندگی کند یا این که با آنها گرم و پرگذشت و پر محبت و آشنا و نزدیک و



بیان روشهای تربیتی را با این دو سؤال سه  
عنوان طرح زمینه - آغاز می‌کنیم :

آیا قدر کودک خود را می‌شناسید؟ آیا کودک  
خود را پذیرفته‌اید؟

آیا توجه دارید که کودک شما پیش از آن که  
فرزند شما باشد ، آفریده گرانقدر خداست؟ و  
بنابر این پیش از آن که به شما تعلق داشته باشد  
متعلق به خداست . بشنوید که خدای بزرگ در  
قرآن کریم درباره آفرینش کودک شما به چه  
لحنی سخن می‌گوید : " آیا به نطفه خویش  
نمی‌نگرید؟ آیا شما آن را به اینصورت ( به صورت  
انسان ) در می‌آورید و می‌آفرینید یا می‌آفرینیم  
" ما انسان را در نطفه ای آمیخته با گذر از  
مراحل مختلف آفریده‌ایم و او را چشم و گوش و  
هوش بخشیده‌ایم .

دقت کنید : خدای متعال در این آیات و آیات  
بسیار دیگری که به ذکر خلقت شگفت انسان  
پرداخته است ، از خویش با کلمه " ما " یاد کرده  
است و به این ترتیب به نهایت عظمت و کمال  
قدرت خویش در این آفرینش اشاره فرموده است  
" ما انسان را آفریدیم " " ما او را می‌آفرینیم "  
" نحن خلقناکم " " انتم تخلقونه " نحن الخالقون  
خدای بزرگ آفرینش انسان را - یعنی آفرینش  
کودک شما را - به عظمت و بزرگی یاد کرده و علاوه  
بر جسم و بدن او را صاحب خلقی دیگر و روحی  
متعالی بر شمرده است و خود را در این آفرینش با  
صفت " احسن الخالقین " " خوبترین  
آفرینشگران " توصیف کرده است .

و حالا این آفریده زیبا و خوش ترکیب خدا  
در دامن شماست و به شما نگاه می‌کند . پیش

پیش روی شماست و بازی می‌کند .

آیا تاکنون به کودک خود نگرسته‌اید؟

مگر ممکن است مادر کودکش را ندیده باشد  
چنین می‌پرسید؟ اما مقصود از این پرسش  
نگاه ساده و عادی یک مادر به فرزندش نبود ،  
بلکه مقصود نگاه دقیق اندیشمندانای بود که به  
یک آفریده شگفت و عظیم خدا ، به یک آفریده  
پاک و گرامی خدا معطوف می‌شود . حالا به  
دقت به او بنگرید : گردش چشمهای زیبایش  
را نگاه کنجاو جستجوگرش را ، لبهای نازک و  
لخنده‌های شیرینش را ، زبانش را ، اولیسن  
کلماتش را ، گوش و گونه‌ها و گردنش را ، دستهایش  
را ، انگشتهای نازکش را . . . . .

مگر می‌توان شگفتیهای وجودش را بر شمرد؟  
مگر می‌توان در یک نگاه همه زیباییهای وجودش را  
مشاهده کرد؟ ... خوب ، حالا پس از این  
نگرش ، از خویش بپرسید که در این نه ماه که  
او را در رحم نگهداری می‌کردید ، چه نقشی  
در آفرینش او داشتید؟

اینک این آفریده گرامی خدا - که حیات او جانان  
با ارزش و گرانقدر است که گویی در ارزش همسان با  
ارزش همه بشریت است - روشنی بخش زندگی  
شماست ، در اختیار شماست ، خدای متعال این  
آفریده گرامی را در اختیار شما نهاده است و با  
وجود هر سروصدای اوزندگی شما را از خاموشی  
و تنهایی بیرون آورده است ، مایه کمال و  
سعادت را به شما عنایت کرده است که اگر خوبی  
و شایستگی در رشد و تربیت او بکشید - هم  
او را تربیت کرده‌اید و هم خویش را ،

آئینه‌ای برای خودشناسی پیش رو دارید و با  
پرورش او همزمان شخصیت الهی - انسانی  
خود را می‌شناسید و می‌پرورید . و شایسته یکی  
از گرامی ترین و محبوبترین نامهای " مادر "

این نام و این کلمه مقدس زیننده شماست که قدر این هدیه الهی رامی دانید

ممکن است قبل از تولد او آرزو داشتید که " ای کاش فرزندم دختر باشد " یا برعکس آرزو داشتید که ؛ " ای کاش فرزندم پسر باشد " و اینک آن آرزو برآورده نشده است. قبل از تولد چهاره فرزند خود را بگونه ای در ذهن تصویر می کردید و پس از تولد مشاهده کردید که آن مقصود برآورده نشده است . و یا ممکن است در موارد نادر بعلت مصرف غذا یا داروی نامناسب یا مسائل دیگری که غالباً قابل پیشگیری است ، فرزند شما بانقص عضو دنیا آمده باشد و این موجب تاءثر شما شده باشد و در نتیجه فرزند خود را آنطور که بایست نپذیرفته باشید .

اما به هر صورت این فرزند پاره تن شما و فرزند دلیند شماست و حقوقی برگردن شما دارد . برخی مادران از کودک سه یا چهار ساله خود رفتاری را توقع دارند که از او بر نمی آید و او نمی تواند ، ممکن است کودک خود را بایکی از بچه های فامیل مقایسه کنند که آن بچه بعلت سن بیشتر توانائی و آمادگی بیشتری دارد . اینهم نشانه آنست که فرزند خود را آنطور که بایست نپذیرفته اید .

هر کودکی استعداد و آمادگیهای ویژه ای دارد ، توقع خود را باید در حد استعداد و توانائی فرزند خود محدود کنید و بیش از توان و قدرت او بر او تحمیل نکنید و از او توقع فوق طاقت نداشته باشید .

در این باره به گزارشی که یکی از خواهران جوان از خاطرات دوران کودکیش نوشته و اثر رفتار و توقعات بیش از حد مادرش را بیان کرده است توجه فرمایید ؛ " ... همین قدر بگویم که طرز تربیت کردن مادر من به هیچ وجه درست نبوده است یکی از روشهای غلط مادرم این بود که همیشه بچه های

فامیل را به رخ ما می کشید .

و از مانوقع زیادی داشت . مثلاً " از من که کودکی چهار پنج ساله بودم توقع داشت که کارهایی را که دختر عموم انجام می دهد ، من هم انجام دهم ( در صورتی که حالا می فهمم که در آن وقت دختر عموم سه چهار سال از من بزرگتر بوده است ) و البته من هیچوقت نمی توانستم آن کارها را انجام دهم .

اما مادرم بدون توجه به این تفاوت ، مرتباً " او را به رخ من می کشید و مرا بی لیاقت و بی دست و پا و بی عرضه خطاب می کرد .

این جور حرفهای مادر که در کودکی به من می گفته بطوری در من اثر گذاشته که الان که بیش از بیست سال دارم ، همیشه احساس می کنم که واقعا " بی لیاقت هستم ، بی لیاقت تر از زنهای دیگر هستم ، فکر می کنم هیچوقت موفق نمی شوم هیچوقت از خودم راضی نیستم فکر می کنم که باید خیلی بهتر از اینها باشم . دلیلش هم این است که همان حرفهای مادر در خاطر من تکرار می شود حالا می فهمم که این رفتار و این جور برخورد مادر ، تاثیر خیلی بدی در روحیه من داشته است . . . . "

اما شما ! شما مادر گرامی که اکنون به این گفتار گوش می دهید ، یقیناً " نمی خواهید که فرزندتان در آینده چنین خاطراتی از دوران کودکی خود داشته باشد ، نمی خواهید این چنین احساس کمبود و حقارت و بی لیاقتی نماید ، آیا همین طور است ؟

پس از همین امروز او را همانگونه که هست بپذیرید ، از انس و محبت با او لذت ببرید ، قدر او را بدانید ، توقع بیش از حد از او نداشته باشید و او را آنطور که خدا خواسته به نیکویی ببرورید .